

# خلع ولیعهد

## ادعای بهمن زاهدی

امیرفیض- حقوقدان

من به توصیه آقای بهمن زاهدی سایت ایشان را دیدم ظاهرا با ابزار تحقیق سر و کار دارند ویا اینطور وانمود میکنند که کارتحقیقی میکنند. همچنین این دریافت محول شد که مانند هر محققى مایلند برداشت هایشان در مسیر صیقل با نظرات و واقعیت ها به زیور اصالت منور گردد.

به این جهت حق است حیرت آید که چگونه ممکن است یک محقق هر قدر ضعیف و تازه کار و کم اعتبار نداند که روح الله خمینی در آشوب سال ۵۷ نظام پادشاهی ایران خاصه سلطنت شاهنشاه ایران را غیرقانونی و نا مشروع خواند! و متنبع آن با انجام همه پرسى مشروعیت قانون اساسی مشروطیت و متمم آن که سند انتقال سلطنت به ولیعهد است بی اعتبار گردانید! و متعاقب این اقدام شورشیان، وزارت خارجه آمریکا در اجرای طرح و نظریه **هنری برشت رسماً اعلام کرد که وزارت خارجه آمریکا روال قانون اساسی مشروطه ایران مبنی بر انتقال سلطنت به ولیعهد را قبول ندارد** و بلافاصله از بعد از اعلام وزارت خارجه آمریکا احمد قریشی (پادوی آمریکا) رئیس دفتر اعلیحضرت یعنی ولیعهدی را که به حکم قانون اساسی مشروطیت سوگند سلطنت یاد کرده بودند تبدیل به یک شهروند عادی ساخت و اعلام کرد که ایشان دیگر ادعایی ندارد و از آن تاریخ از آنجا که مبارزه ایرانیان خارج از کشور در گرو سیاست آمریکا قرار داشت و دارد یکباره مانند تگرگ فراگیر اعلیحضرت رضاشاه دوم به شاهزاده و رضا پهلوی تبدیل و شد یک شهروند عادی.

✓ با این تفاسیر مستند، چگونه آقای بهمن زاهدی مدعی است که نامه هشدار به آخرین ولیعهد خلع ایشان از سمت ولیعهدی است! چیزی که در ۳۷ سال قبل به کیفیتی که در بالا عرض شد خلع و مختومه شده و هر جوجه محققى و هر بچه فیس بوکی ناظر آن بوده چگونه است که آقای بهمن زاهدی هنوز در خم کوچه اول مانده و مدعی خلع ولیعهد از سمت ولیعهدی است؟ آنهم به اعتبار نامه هشدار به آخرین ولیعهد.

✓ ادعای آقای بهمن زاهدی مبنی بر وجود ارتباط اجرائی بین نامه هشدار به آخرین ولیعهد و خلع ولیعهد متضمن این معناست که تا قبل از نامه مزبور، ولیعهد در مقام و موقعیت قانونی خود بوده است. آیا آقای بهمن زاهدی به سخافت این ادعا واقف است و اگر غیر آن است ایشان میتواند وارد این مرحله از اثبات بشود و اگر نه بدانند که در فصل یاوه گوئی قرار گرفته اند.

✓ آیا بنظر آقای بهمن زاهدی خلع ولیعهد از مقام ولیعهدی که به معنای قطع رابطه حقوقی و مسئولیت است با نامه هشدار که به معنای توجه به خطرات و از سرخیرخواهی است، بیک معنا

و مفهوم است؟ اگر خیر که هرکودکی تفاوت آنرا میداند پس یکی از اسناد عدم اصالت و اعتبار فیس بوک (وبسایت) آقای بهمن زاهدی همین نادانی و کژ فکری است؟ و آیا درک میکند که تحریف در این حد جرم و در جایگاه جعل قرار دارد و یک محقق هر قدر تازه کار و بچه فکر این چنین بی احتیاطی نمیکند؟ مسلماً خیر زیرا کسی که فرق خلع از مقام و هشدار را نداند نمیتواند در تحلیل عمل خودش موفق باشد.

✓ آیا دانش تحقیقاتی بهمن زاهدی به آنجا رسیده است که یک مقام قانونی ولیعهدی آنهم در جایگاه قانون اساسی با یک نامه چند نامی که برخی از آنها اتهام خیانت و ایجاد استعداد نظامی برای آمریکا را دارند قابل خلع است؟

◀ اعتراض به عمل آقای بهمن زاهدی متوجه یکایک نامداران در آن نامه هشدار و در صدر همه شخص آقای امید دانا ست که متاسفانه ساکتند؛ روشی که معمولاً بین شریک دزد و رفیق قافله معمول است.

◀ آقای بهمن زاهدی از کسانی نباشید که وقتی کسی کلاه میخواید شما سر ببرید.